

# «مطر» در دوره مشروط

## بررسی و تحلیل

### قنبر حاجی‌وند

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر مدارس ارومیه و مدرس دانشگاه

### چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی و تحلیل ارتباط موضوعی کاربرد طنز در کتاب‌ها و مطبوعات مربوط به یک دوره تاریخی (دوران مشروطه) است. در این تحقیق، سعی شده است بازتاب وقایع تاریخی در آیینۀ طنز بررسی شود؛ چراکه این آیینۀ در بیان حقایق اجتماعی و سیاسی، شفاف‌ترین وسیله است.

به بیانی دیگر، این پژوهش در زمینه طنز و انواع کاربردهای آن در کتاب‌ها و آثار ادبی، به همراه ذکر چگونگی بهره‌برداری نویسندگان، شعرا و مطبوعاتیان دوره مشروطه از طنز در بیان افکار انقلابی خویش است.

در دوره مشروطه با ورود شعر از دربار به عرصه جامعه و تحت تأثیر روزنامه‌هایی که در قفقاز منتشر می‌شدند شعرا و نویسندگان ایرانی خیلی بیشتر از گذشته از طنز بهره بردند. به عقیده نگارنده، آزادی و وطن‌پرستی و دفاع از مظلومان از جمله ارزش‌های حاکم بر شعر و نثر دوره مشروطه است.

در این مقاله، تعاریف و روش‌های طنز، انواع هجو، تاریخچه طنز و لطیفه در ایران، عوامل پیدایش انقلاب مشروطه، علل گرایش شاعران و نویسندگان و حتی روزنامه‌نگاران - به مفهوم امروزی - به طنز بررسی می‌شود و درباره پیش‌گامان مطرح این سبک از ادبیات معترض یا ادب انتقادی، مانند علی

اکبر دهخدا، نسیم شمال و صابر، سخن به میان می‌آید. در پایان نیز نمونه‌های طنز از آثار سیداشرف‌الدین گیلانی، ایرج میرزا، ملک‌الشعراء بهار، فرخی یزدی، عشقی و ... ارائه می‌گردد.

در این مقاله پژوهشی، از روش‌های کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات انتقادی، طنز، خرافات، هجو، اصلاح، مشروطه

### مقدمه

بحث درباره «مشروطیت» و بررسی «آثار نظم و نثر» این دوره بیداری ادبیات، هر چند تکراری و گاه ملال‌آور است، تحقیق و تتبع نظری و نگاه تحلیلی در آن همیشه تازگی دارد.

چند سال است که نگارنده در مطبوعات محلی و وبگاه‌های فضای مجازی، در زمینه طنز مکتوب به سبک ژورنالیستی و ادبی کار می‌کند. بر این اساس، تصمیم داشت در موضوع «طنز» اطلاعات جامعی کسب کند.

پس، فرصتی لازم بود این بررسی و مطالعه صورت گیرد.

ناگفته پیداست که در داده‌های گزارش‌گونه و گاهی مستند و مصور ادبیات دوره مدنظر، سخن‌ها فراوان است و سابقه تحقیق و انتشار کتاب، به وفور مثبت، لیکن انجام پژوهشی ژرف‌نگرانه و تحلیلی،

محدود و در اقلیت است. بدین منظور، نگارنده با جست‌وجوی منابع دست اول و مرتبط، اقدام به گردآوری اطلاعات نموده و به لطف خداوند متعال موفق به ارائه این مقاله گردیده است.

ادبیات منظوم و منثور را - با توجه به شیوه بیان و القای پیام مورد نظر - در دو بخش کلی «جد» و «طنز = هزل» مطرح کرده‌اند. آثاری که در حوزه‌های ادبیات اخلاقی، تغزلات، رزمی و بزمی آفریده شده‌اند، در بخش جد، نوشتارها و آفرینش‌های هجایی، فکاهی، لطیفه، مطایبه، مسخرگی و انتقاد، در بخش طنز طبقه‌بندی می‌شوند.

بخش غیر جد (طنز و هجو) را در تاریخ ادبیات ایران می‌توان به شمشیری دو لبه مانند کرد که یک لبه آن در جهت برانداختن رذایل اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی و مبارزه آشکار و نهان با امراض خدعه و ریا و نفاق و دروغ و چالپوسی، در خدمت اهداف متعالی جامعه اخلاق‌محور بوده و لبه دیگرش، درست در جبهه مقابل، به قصد هجای مخالفان و اعتراض به منابع قدرت، برای دریافت یا عدم دریافت صله و انعام است، که شاید کمترین بار اخلاقی و متعهدانه را در برداشته باشد؛ نمونه‌اش هزلیات متعدد سعدی و سوزنی سمرقندی و ...!

«طنز» را می‌توان پویاترین و متعالی‌ترین درجه از نقد ادبی قلمداد کرد؛ آنجا که

سمت و سوی آن همان رسالت مبارزه با ربا و تزویر، زاهد نمایی و تقدس، خرافه‌پرستی و ظلم بر رعیت و ... باشد.

طنز با اسلوب و شیوه‌های متعارف جدید و نیز آنچه در دوره مشروطه رواج داشته، در ادبیات گذشته ایران سابقه نداشته است. با این وصف، در آثار بزرگانی چون ابوالقاسم فردوسی (هجو سلطان محمود غزنوی)، خیام (سؤال و تردید در چیستی کارگاه خلقت)، کنایه‌های طنز و هجوآمیز حافظ نسبت به کار محتسب و شکوه از واعظان و زاهدان ربایی، و نیز نقد و اعتراض سنایی و مطالب اخلاقی مولوی، درون‌مایه هزل و طنز، همه و همه نمونه‌هایی از دو جنبه سطح فاخر و مایه تأسف گذشته است که به قول زرین کوب «قسمتی از انواع هزل و طنز شعر فارسی مایه تأسف است»؛ زیرا مشتمل است بر «هرزگی‌ها و بی‌بند و باری‌ها که زیاده عفت و اخلاق را لطمه می‌زند» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۶۸).

البته، طنز دوره مورد بحث ما که بیشتر از نثر استفاده می‌کند، در آثار بزرگانی چون علامه دهخدا، زین‌العابدین مراغه‌ای، و جمال‌زاده دیده می‌شود. در این میان، از اشعار نسیم شمال، ابوالقاسم حالت و دیگران نیز نباید غافل بود.

در میان ادوار تاریخی ادبیات فارسی، ادبیات مشروطه جایگاهی ویژه دارد. این دوره از ادبیات فارسی، همچون پلی میان ادبیات سنتی و مدرن ایران به حساب می‌آید. از این رو، در ادبیات مشروطه، هم از ویژگی‌های ادبیات سنتی و هم از شاخصه‌های ادبیات نوین نشانه‌های فراوانی دیده می‌شود. به دلایل متعدد، چون شرایط اجتماعی - سیاسی، آشنایی ایرانیان با ادبیات مدرن جهان، ورود به عصر صنعت، و مخاطبان جدید همراه با نیازهای تازه نثر و طنز در ادبیات مشروطه مورد توجه قرار گرفت.

مشروطیت، درخشان‌ترین ورق در تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران است. بزرگ‌ترین دستاورد آن برای ایرانیان تحولی است که در ادبیات ایجاد شد؛ زیرا آشنایی با جریان‌های اجتماعی غرب از قبیل انقلاب کبیر فرانسه و آشنایی با افکار فلاسفه قرون

۱۷ و ۱۸ انگلیس و فرانسه و مراوده برقرار کردن با اروپا از طریق مسافرت ایرانیان، حتی ناصرالدین‌شاه، به اروپا و مهم‌تر از همه، تشنگی جامعه ایران برای ورود چنین مفاهیمی، سبب شد مفاهیم جدیدی که تا آن زمان مطلقاً در ادبیات فارسی نبودند، به ادبیات مشروطه راه یابند و چهره ادبیات را به یکباره دگرگون کنند. مفاهیمی مثل آزادی، قانون و عدالت که در ادبیات به طرفداری از طبقات فرودست جامعه برخاسته بود، به اندازه تمام ادبیات پیش از خودش ارزش دارد و باید گفت از آن زمان تا امروز و چه بسا تا وقتی که ادبیات در ایران باشد، همه بر سر سفره ادبیات مشروطه نشسته‌اند.

## حوزه تعریفی و معنایی و کاربردی طنز و واژگانی که مفهوم نزدیک به آن دارند، تأثیرگذار و البته گسترده است. این نشان از وجود زمینه‌های لازم برای پیدایش طنز مایه‌های ادبی نظم و نثر در دوره‌های مختلف ادبیات دارد

### ۱. تعاریف

مرحوم دهخدا، در فرهنگ سترگ خویش، لغت‌نامه، ذیل واژه طنز می‌نویسد: «طنز. (ع مص) فسوس کردن. (منتهی‌الارب) (منتخب‌اللغات). فسوس داشتن. (دهار). فسوس داشتن. (زوزنی). افسوس کردن. (تاج‌المصادر). / برکسی خندیدن / عیب کردن / لقب کردن / سخن به رمز گفتن. (غیاث) (آندراج). // نمونه. سال‌ها جستم ندیدم زو نشان جز که طنز و تسخر این سرخوشان (مولوی)» (دهخدا، ۱۳۷۷،

ج ۱: ۱۵۵۳۲-۱۵۵۳۱).

در فرهنگ معین نیز در توضیح واژه طنز این موارد آمده است: {ع. ۱. (مص م). افسوس کردن. مسخره کردن. ۲. طعنه زدن، سرزنش کردن. ۳. (امص). مسخره. ۴. طعنه. سرزنش. ۵. (ا). ناز.} (معین، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۲۳۷).

«... آن نوع ادبی است. عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجوآمیزی از جهات زشت و منفی و «ناجور» زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق‌آمیز، یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آنچه هست، نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آن‌ها روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود با اندیشه یک زندگی عالی و مأمول آشکار گردد. بدین ترتیب، قلم طنزنویس با هر چه که مرده و کهنه و واپس مانده است و با هر چه که زندگی را از ترقی و پیشرفت باز می‌دارد، بی‌گذشت و اغماض مبارزه می‌کند» (آرین پور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۳۶).

در کتاب «طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب»، در بیان اقسام طنز، از نزدیک به دو بیست واژه به‌عنوان زیرمجموعه‌های طنز نام برده شده است: «اقسام طنز: هجو، مطایبه، لطیفه، ... و اصطلاحات و واژگان ابتذال، اختلاط، اردک‌پرانی، استخفاف و ...» (فرجیان، نجف‌زاده؛ ۱۳۷۰: ۸۰۷).

موارد برشمرده بالا، حکایت از آن دارد که حوزه تعریفی و معنایی و کاربردی طنز و واژگانی که مفهوم نزدیک به آن دارند، تأثیرگذار و البته گسترده است. این نشان از وجود زمینه‌های لازم برای پیدایش طنز مایه‌های ادبی نظم و نثر در دوره‌های مختلف ادبیات دارد.

### ۱-۱- گونه‌ها

- طنز

- هجو

- هزل

فکاهی/فکاهه

از زیرمجموعه‌های طنز و مطایبه، ابتدا باید هزل را تعریف کرد: هر سخنی که از

آن معنای جدی اراده نشود، «هزل» است. براین اساس، هر نوع شوخی، هزل است. «فکاهه» اصطلاحی است که مفهومی عام‌تر از گونه‌های سخن خنده‌انگیز دارد و هر گونه رفتار، گفتار، نوشتار، یا دیدگاه انسان است که موجب خنده در بیننده، شنونده و خواننده بشود. پس، هدف آن خنده‌انگیزی است. خود «طنز»، گونه‌ای از سخن مطابقت‌آمیز است که هدف اصلاح دارد و ساختارها را برای ساختن دوباره آن‌ها می‌شکند. «هجو»، که هدف آن آزار دادن و خراب کردن است، جنبه شخصی دارد و غیر عادلانه و برخاسته از حسد و کینه است.

به‌طور کلی، این چند گونه گاهی در تعریف بسیار به هم نزدیک می‌شوند و ویژگی‌های مشترکی پیدا می‌کنند و حتی در برابر معادل لاتین هر کدام از آن‌ها اشتباهاتی صورت می‌گیرد، اما طنز در اصطلاح ادب، به آثاری اطلاق می‌شود که با تحکم و طعنه به استهزا و نشان دادن عیب‌ها، زشتی‌ها، نادرستی‌ها و مفاسد جامعه می‌پردازد. طنز، به‌ظاهر می‌خنداند اما در باطن انسان را به تفکر وامی‌دارد.

## ۱-۲- روش‌های طنز

طنز دارای روش‌های مختلفی است که هر گوینده به اقتضای حال و مقام و به سلیقه خود از آن‌ها استفاده می‌کند. این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

### ۱. کوچک کردن موضوع مورد بحث

در این روش، نویسنده شخصی را که می‌خواهد مورد انتقاد قرار دهد، از تمام ظواهر فریبنده عاری می‌سازد و او را از هر لحاظ کوچک می‌کند. این کار می‌تواند از لحاظ جسمی یا معنوی باشد.

### ۲. بزرگ‌نمایی

این روش، در مقابل کوچک کردن است. در این روش نیز طنزنویس سعی می‌کند با اغراق و غلو، چیزی یا رفتار شخصی را بزرگ‌تر از آنچه هست نشان دهد. این روش، در کاریکاتور کاربرد زیادی دارد.

## ۲. تاریخچه طنز

طنز، هم در ادبیات مکتوب و هم در فرهنگ شفاهی ما، سابقه‌ای دیرین دارد اما به‌نظر نمی‌رسد که در قدیم کسی از آن با لفظ طنز یاد کرده باشد یا هویت مستقل ادبی برای آن در نظر گرفته باشد. در ادبیات باستانی ایران یا دست‌کم براساس آنچه از کهن‌ترین دوران تا غلبه اعراب رسیده، نام و نشانی از هجو دیده نمی‌شود و با توجه به اینکه هجو در میان اعراب شیوع عام داشته است، به احتمال بسیار ایرانیان آن را از اعراب آموخته‌اند.

روزگار سامانیان، آغاز هجا در شعر فارسی است و حتی از رودکی اشعار هجوآمیز باقی‌مانده است. طنز در شاهنامه فردوسی چندان چشمگیر نیست و هر چه هست، بسیار ملایم و شرافتمندانه است. به‌طور کلی، در جریان ادبیات ما طنز در ابتدا بسیار ناچیز است و آنچه دیده می‌شود، هزل و هجو است.

نیمه دوم قرن پنجم و ششم، روزگار گسترش هجو است. برای مثال، سوزنی سمرقندی صاحب گستاخانه‌ترین هزل‌ها و

## ۳. تقلید طنزآمیز (حماسه)

### (مضحک)

شاعر یا نویسنده، با در نظر گرفتن نوشته یا شعر جدی، با همان سبک و اسلوب، مطلبی طنزآمیز را عنوان می‌کند.

## ۴. کنایه طنزآمیز یا نقل قول

### مستقیم

«برای اجرای این منظور، معمولاً طنزنویس داستانی می‌آفریند و چند نفر از شخصیت‌های موردنظر را در آن قرار می‌دهد و به‌عنوان دیالوگ از سخنان واقعی آن اشخاص استفاده می‌کند. در بعضی موارد، ممکن است نویسنده نقل قول‌ها را به‌طور مضحکی خارج از رشته اصلی کلام بیاورد و یا بعضی از حرف‌ها را خودش بنویسد و یا اصلاً احتیاجی به این کار نباشد و تمامی مطلب عنوان شده و نحوه بیان آن طوری خنده‌آور باشد که بشود تمامی یا قسمت اعظم آن را بدون دست بردن و تغییر دادن نقل کرد» (جوادی، ۱۳۸۴: ۴۲).



در گویندگان عصر انقلاب و پس از آن تأثیر گذاشته است. (نبوی، ۱۳۷۸: ۴۸ - ۴۲).

برخاسته از آزرده‌گی، پرخاش و حتی نفرت است؛ خنده‌ای است تلخ و تمسخرآمیز.

### ۳. چرا طنز؟

برای شکل‌گیری طنز، سه عامل باید حضور داشته باشند: شوخی، انتقاد و اصلاح. به عقیده فروید، شوخی و لطیفه ساز و کاری مانند رؤیا و خواب دارد. برخی از کام‌های سرخورده از هنجارهای اجتماعی، که به ناخودآگاه رانده می‌شوند، بخشی در خواب‌های ما امکان بروز می‌یابند و بخشی در قالب شوخی‌ها و لطیفه‌ها مطرح می‌شوند. اثر روانی لطیفه از این نظر اهمیت دارد که انرژی روانی سرکوب شده ذهن را دوباره آزاد می‌کند و ارضای ذهنی

هتاکانه‌ترین هجوهاست. در آثار سنایی علاوه بر انتقادهای اجتماعی با زبان طنز، هزل‌های رکیک و هجاهای گزنده کم نیست. اشعار عمر خیام نماینده طنزهای عمیق فلسفی است که به سبب رشد نیافتن فلسفه در جامعه ما مجال رشد نیافت. قرن ششم، رونق بازار هجوگویی است و کمتر گوینده‌ای اشعاری در هجو ندارد. عطار که شاعری مستقل از دربار و در خدمت آرمان‌های خویش است، نمونه‌های درخشانی از طنز دارد. در قرن هفتم، در شعر مولانا اثری از هجو مشاهده نمی‌شود اما حکایت‌های هزل‌آمیز در مثنوی کم نیست. هزل مولانا در خدمت مبانی اعتقادی اوست. در آثار سعدی، هجو وجود ندارد اما شوخ‌طبعی و ظرافت در سراسر این آثار قابل رؤیت است. قرن هشتم خیزشگاه مهمی در طنز فارسی است. این قرن را می‌توان آغاز مستقل طنز فارسی دانست؛ زیرا عبیدزاکانی تنها کسی است که آثار مستقلی به طنز در ادبیات ما پدید آورده است. حافظ در طنز آفرینی در بالاترین جایگاه قرار دارد و طنزهای او میراث طنز فلسفی خیام، طبع روان سعدی و انتقادهای کوبنده عبید است. طنزهای حافظ، پوشیده‌ترین و ظریف‌ترین نمونه‌های طنز در ادبیات شمرده می‌شوند. حافظ در شرایط اجتماعی روزگارش، روشنفکرانه‌ترین واکنش‌ها را در برابر فسادها و انحراف‌ها نشان داده است. در آغاز حکومت قاجار، هجویه‌های معروفی از آقا محمدخان قاجار در دست است. در آثار قائم مقام فراهانی نیز مثنوی طنزآمیز «جلاپرنامه» را می‌بینیم که بعدها سرمشق ایرج میرزا در سرودن «عارف‌نامه» قرار می‌گیرد. آثار اینان

### ۴. شرایط اجتماعی ایران در دوره مشروطه

مهم‌ترین ویژگی این دوره، تحولاتی است که در جهان اتفاق افتاده است؛ از جمله حرکت‌های پردامنه و جنبش‌هایی مثل انقلاب صنعتی و دیگر کشورگشایی‌های امپراتوری‌ها و به تبع آن، رقابت قدرت‌های استعماری چون انگلیس، روس، فرانسه و عثمانی. در ایران، اولین برخورد ایرانی‌ها با اروپاییان به دوره صفویه برمی‌گردد. در دوره فتحعلی شاه قاجار، این برخوردها از راه مسائل نظامی و فاقد هر گونه نگرش شعورمدارانه و دارای خصلت‌های قرون وسطایی بود.

دغدغه شاه‌قاجار، داشتن درباری مجلل و ملک‌الشعرایی مدیحه‌سرا بود و «تدبیرمنزل» بر «سیاست مدن» ارجحیت داشت. نخستین بار عباس میرزا، نایب‌السلطنه، بود که لزوم انجام اصلاحات را با توجه به شرایط حاصل از چند عهدنامه‌نگین و شکست‌های ایران، احساس کرد و گروهی را برای تحصیل فنون و تخصص‌های جدید راهی غرب نمود، که ورود ماشین چاپ به ایران و تأسیس نخستین چاپخانه در ایران ارمان همین گروه بود. پس از او، قائم مقام فراهانی، که مردی کاردان در امر سیاست بود، پاره‌ای اصلاحات را در مقام وزارت آغاز نمود که با کارشکنی‌های بیگانگان و نهادینه نبودن مفهوم اصلاحات، نابخردی شاه و توطئه اطرافیان متوقف شد و خود او ابتدا عزل گردید و سپس به قتل رسید. حکومت محمدشاه نتیجه‌ای جز پریشانی اوضاع و افزایش دخالت بیگانگان نداشت. در دوره ناصرالدین شاه، میرزا تقی‌خان فراهانی پس از سفر به روسیه و مشاهده پیشرفت‌های مردم آن سرزمین، اقدام به اصلاحات گسترده‌ای نمود؛ از جمله، فرونشاندن چند شورش داخلی، اصلاحات نظامی، امور مالی، تأسیس دارالفنون، انتشار نخستین روزنامه ایران، رسیدگی به بهداشت و سلامت مردم، اصلاح در رفتارهای اجتماعی (مبارزه با رشوه‌خواری، کاربرد القاب) و کوتاه کردن

«طنز» را می‌توان پویاترین و متعالی‌ترین درجه از نقد ادبی قلمداد کرد؛ آنجا که سمت و سوی آن همان رسالت مبارزه با ریا و تزویر، زاهد‌نمایی و تقدس، خرافه‌پرستی و ظلم بر رعیت و ... باشد

به بار می‌آورد. براساس نظریه برتری‌جویی (superiority)، ما با لطیفه، فرد یا گروهی را که بر ما برتری دارند و از آن‌ها متنفریم، تحقیر می‌کنیم. هر چه فرد مورد تمسخر منفورتر باشد، لذت حاصل از لطیفه بیشتر است. در دنیای وارونه لطیفه، حاکم و محکوم جایشان را عوض می‌کنند. انسان ستمکش وقتی این خنده‌ها را سر می‌دهد که دشمن خود را از نظر اخلاقی و معنوی شکست داده باشد (نبوی، ۱۳۷۸: ۶۳).

از طرفی، طنز مفهومی آرمان‌خواهانه دارد و اگر در برابر زشتی‌ها می‌خندد، نشان از آگاه بودن و آگاهی دادن دارد. خنده طنز نه برخاسته از بی‌دردی یا شادمانی محض بلکه

دست سفارت‌خانه‌ها. به دلیل ناسازگاری اقدامات امیرکبیر با ساختار قرون وسطایی و بیمارگونه حکومت قاجار و ناهمسویی با منافع اجانب، از ادامه اصلاحات او جلوگیری شد. امیرکبیر حتی قصد داشت «قانون اساسی» تهیه کند اما حرکت اصلاح‌طلبانه او به سبب اینکه دور از بنیادهای جامعه و زمینه‌های مناسب بود، بی‌نتیجه ماند. پس از او، آقاخان نوری به پنبه کردن تمام رشته‌های امیرکبیر پرداخت. او که سرسپرده کامل انگلیس بود، در دوره هفت ساله صدارت خود، شاه را به خوش‌گذرانی کامل متمایل کرد و این دوره همراه با استبداد مطلقه و واگذاری امتیازهای گوناگون به بیگانگان گذشت. حوادث پنجاه سال حکومت ناصری در دوره بعد بسیار مؤثر بود. شاه در سال‌های پایانی حکومت خود به هیچ‌گونه تغییری تن در نمی‌داد. روشن است که در مملکتی که با استبداد پی‌ریزی شده، هر گونه تغییری با منافع منسوبان به دستگاه استبداد مغایر است و تلاش اصلاح‌طلبانه به نتیجه‌ای نمی‌رسد. از اصلاح‌طلبان مهم دیگر، میرزا حسن‌خان سپهسالار است که با ترغیب ناصرالدین شاه به سفرهای خارجی، سعی در آشنا کردن او با پیشرفت‌های ملل دیگر و فراهم آوردن زمینه‌های ایجاد و اجرای قانون داشت. مظفرالدین شاه نتوانست راه پدر را ادامه دهد، صرفاً وعده‌های دل‌خوش‌کن می‌داد و اقداماتی ظاهری مانند بر سر کار آوردن امین‌الدوله انجام داد. روشنفکران در زمان او، زبان به انتقاد گشودند. در این دوره، روشنفکرانی مثل ملک‌خان، آخوندزاده، آقاخان کرمانی، زین‌العابدین مراغه‌ای، شیخ احمد روحی و طالبوف به گسترش تفکر مشروطه‌خواهی پرداختند (حائری، ۱۳۷۵، ج اول: ۹۰ - ۸۰).

#### ۴-۱- اثر تحولات بر جامعه

- ورود صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری و گسترش سطح آگاهی مردم آن دوره؛  
- تلاش برای جست‌وجوی علل عقب‌ماندگی؛  
- مطرح شدن حقوق مردم؛ برای مثال سلامت و بهداشت، گسترش سواد، لزوم وجود قانون برای احقاق حقوق ملت؛

- انجام گرفتن حرکت‌هایی مثل جنبش تحریم تنباکو این اعتمادبه‌نفس را در مردم ایجاد کرد که می‌شود در برابر تعدی حکومت ایستاد و جسارت انتقاد داشت.  
- اعتراض‌های مردم در واقعه مسیونوز و پس از آن، دو تحصن علما، زمینه درخواست مشروطه را فراهم کرد.  
- مطرح شدن مفهوم ملت وطن.

#### ۵. طنز در مشروطه

«ای قلم، پنداشتی هنگامه دانشوری است دوره علم آمده هر کس به عرفان مشتری است تو نفهمیدی که اوضاع جهان خر تو خری است  
خر همان است و عوض گردیده پالان، ای قلم  
نیستی آزاد در ایران و ایران، ای قلم» (قزوینی، ۱۳۸۵: ۳۰۱)

... ادبیات ایران ریشه‌های کهن دارد اما این ادبیات پس از نهضت مشروطیت چنان متحول شد که حتی شکست مشروطه در سال‌های پس از نهضت نتوانست در روند تغییر و تحولات آن مانعی ایجاد کند. نهضت مشروطه یک جنبش فکری بود که در عمق اندیشه و افکار سخنوران اثر کرد. افکاری که در اثر نهضت مشروطه در ایران پیدا شد، ادبیاتی نو و سبکی تازه پدید آورد که هدف و آرمان آن با ادبیات پیش از مشروطه فرق کلی داشت. هدف ادبیات دوره مشروطه یا سبک مشروطه، به‌طور کلی بیداری مردم و برانگیختن احساسات مذهبی و ملی و ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی، پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی، انتقاد سخت و بی‌رحم از نابسامانی و آشنا کردن مردم با حدود و حقوق انسانی‌شان بود.

قبل از مشروطه، طنزنویسی نوع خاص و جداگانه‌ای در ادب فارسی به شمار نمی‌رفت و مطالب طنزآمیز در لابه‌لای متون دیگر می‌آمد اما پس از مشروطه، طنز فارسی به صورتی کاملاً آگاهانه دارای مقام و مرتبه‌ای خاص شد. در این دوره، طنز گسترش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد.

نویسندگان و شاعرانی مثل بهار و عشقی

و عارف و دهخدا و ایرج میرزا، با اشعار طنزآمیزشان به ستم حاکمان زمان و استبداد و قراردادهای آن چنانی می‌تازند. در واقع، از دوره مشروطه نوعی طنز آگاهانه شکل می‌گیرد و هزل و هجو کمتر می‌شود. طنز اجتماعی - سیاسی در ایران، از دوران مشروطه شکوفا شد و این به معنای حضور طنزسرایان با گرایش‌های ایدئولوژیک - سیاسی و در واقع طبقاتی مختلف در عرصه ادبیات و مبارزه فرهنگی بر زمینه وقوع یک جنبش گسترده اجتماعی بود. از این دوره به بعد می‌توان ردپای طرفداران رهایی‌زحمتکشان و مخالفان سرسخت تحمیق مذهبی و خرافه و سلطه ستم و استثمار را در طنزنویسی و طنزسرایان ایران پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین طنزپردازان این دوره، علی‌اکبر دهخدا بود. او پس از حدود شش ماه کار در اداره راه شوسه خراسان، با عنوان نویسنده و سردبیر، میرزا جهانگیرخان شیرازی با عنوان گرداننده امور و میرزا قاسم‌خان صوراسرافیل با عنوان صاحب سرمایه و مدیر به تأسیس روزنامه‌ای به نام «صوراسرافیل» مبادرت ورزیدند. روزنامه‌ای که در دوران انقلاب مشروطیت ایران مقامی پراج داشت. این روزنامه بیشتر به نثر و مقالات روی می‌آورد و ستون مقالات «چرند و پرند» دهخدا از پرخواننده‌ترین بخش‌های آن بود (بهبادی، ۱۳۸۳: ۲۳).

#### ۵-۱- تغییرات ادبیات در این دوره

مشروطه در ادبیات تحول ایجاد کرد و خود از آن تأثیر پذیرفت. در دوره جدید، روشنفکران ایرانی با فضای نوزایی و روشنگری اروپا آشنا شدند. تکیه بر عقلانیت جدید نقادی به اصول کهن حیات اجتماعی شد. نقد ادبی به ادبیات گذشته از جهت محتوا (دروغ، غیرواقعی، چاپلوسانه، خالی از مفهوم انسان معاصر و وطن)، از جهت صورت (ابهام، بی‌توجهی به زبان توده و ساده‌نویسی)، بیدارگری و نشان دادن نابسامانی اوضاع جامعه.

ادامه مطلب در وبگاه